

نقد عملکرد ایالات متحده آمریکا در نقض مصونیت قضایی دولت‌ها در آیین حقوق بین‌الملل و رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری

محمد حبیبی مجنده *

سیدعلی حسینی آزاد **

الناز رحیم خویی ***

چکیده

ایالات متحده آمریکا مدت‌هاست که به‌گونه‌ای منحصربه‌فرد، اقدام به لغو یا کاهش مصونیت قضایی برخی دولت‌ها می‌کند که در حقوق بین‌الملل، قدری نامتعارف می‌نمایند. این مقاله، با بیان مختصر نحوه عملکرد ایالات متحده، وارد مباحث حقوق مصونیت شده و نگاه حقوق بین‌الملل را به این قاعده دیرین عرفی بررسی می‌کند. آن‌گاه رفتار آمریکا را در چارچوب این قواعد بین‌المللی می‌سنجد و درنهایت با تدقیق در نکات مذکور در رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری به ارزیابی عملکرد ایالات متحده در پرتو رهنمون‌های آن رأی می‌پردازد. ضمن تطبیق عملکرد ایالات متحده با حقوق بین‌الملل و همچنین رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری معلوم می‌شود که همان‌گونه که حقوق‌دانان متعدد بیان داشته‌اند، در اکثر موارد نمی‌توان رفتار ایالات متحده را با حقوق بین‌الملل، همسو دانست و همچنین با محک‌زدن آن در ترازوی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز تعارضات آشکار آن با آموزه‌های دیوان مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی

مصونیت دولت‌ها، قانون مصونیت‌های دولت خارجی، رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری، استثنائات اصل مصونیت

mhabibiim@gmail.com

* استادیار دانشگاه مفید قم

saha_11@yahoo.co.uk

** نویسنده مسئول، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

e.khoei@datak.ir

*** دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد و مدرس دانشگاه

مقدمه

بر پایه اصلی دیرپا در حقوق بین‌الملل عرفی، دولت‌های مستقل و حاکم، حق دارند فارغ از تعرض و دخالت دولت‌های دیگر، حکمرانی و اعمال صلاحیت کنند. این اصل که به معنی عدم توانایی هیچ دولتی برای به محاکمه‌کشاندن دولتی دیگر بوده و از اصل قدیمی «برابرها را بر یکدیگر سلطه‌ای نیست»^۱ ناشی شده است، «مصونیت قضایی دولت‌ها» خوانده می‌شود که با پیدایش حقوق بین‌الملل به این نظام حقوقی راه یافته و مبنایی عرفی به دست آورده است.

به‌موجب اصل مصونیت، یک دولت توسط دادگاه‌های دولتی دیگر مورد رسیدگی یا محاکمه قرار نخواهد گرفت.^۲ به بیان دیگر، «مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل به قواعد و اصولی حقوقی اشاره دارد که بنا بر آن، دولت خارجی از اعمال صلاحیت (قدرت‌های قضایی، تقنینی و اجرایی) دولتی دیگر در امان خواهد بود».^۳ بنابراین، مصونیت دولت، مانع از رسیدگی به اقدامات یک دولت در دادگاه‌های دولت دیگر می‌شود و نمایندگان دولت را از دفاع درمورد اقدامات و اعمال حاکمیت آن دولت معاف می‌نماید.^۴

مصونیت قضایی دولت، در مفهوم کلاسیک یعنی اینکه یک دولت نمی‌تواند بدون رضایت خود، نزد دادگاه‌های دولتی دیگر، طرف دعوا قرار گیرد^۵ و این اصل، کلیه اعمال دولت را در بر خواهد گرفت.^۶ اما در مفهوم نوین آن، مصونیت تنها درمورد اعمال حاکمیتی یا عمومی^۷ قابلیت اجرا دارد و در خصوص اعمال تصدی‌گری یا خصوصی^۸ اجرا نمی‌شود.^۹

در واقع، با گذر از مسیری که در آن، نقش حاکمیت‌ها در لباس تجار خصوصی رو به تزاید نهاد و این حاکمان، اعمال صرفاً حاکمه خود را در کنار اعمالی نهادند که ماهیتی خصوصی و تصدی‌گری داشت، در مفهوم مصونیت نیز دگرذیسی بنیادی پدید آمد و این مفهوم از صورت مطلق خارج شد و شکلی محدود پیدا کرد تا تجار و دیگر طرف‌های معامله با دولت‌ها در دعاوی خود علیه آن‌ها در پشت سدّ مصونیت متوقف نشده و بتوانند حقوق خود را مطالبه کنند. النهایه،

1. *Par in parem non habet imperium*

2. Shaw, Malcolm N., *International Law*, 6th edition, Cambridge University Press, 2008. p. 698.

3. Malanczuk, Peter, *Akehurst's Modern Introduction to International Law*, 7th edition, Taylor & Francis e-Library, London and New York, 2002, p. 118.

۴. عبداللهی، محسن و حسین خلف‌رضایی؛ «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد امره حقوق بشر»، نامه مفید، ش ۷۹، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴.

5. Grant, John P. and Barker, J. Craig, *Parry & Grant Encyclopaedic Dictionary of International Law*, Oxford University Press, New York, 2009, p. 562.

6. *Ibid.* and see *Duke of Brunswick v. King of Hanover* (1848) 2 HLC 1 and *De Haber v. Queen of Portugal* (1851) 17 QB 171.

7. *Jure imperii*

8. *Jure gestionis*

9. *Ibid.*

برخلاف دیدگاه سنتی که طرفدار اعطای مصونیت مطلق و بی‌چون‌وچرا به دولت‌ها بود، در رویه نوین، از گستره مصونیت کاسته شده و آن را صرفاً محدود به اعمال حاکمیتی یا عمومی دولت‌ها نموده‌اند.

به‌رغم پیدایش استثناهای متعدد بر اصل مصونیت^{۱۰} و خروج آن از مفهوم مطلق، اصل مصونیت دولت از صلاحیت قضایی محاکم داخلی و اقدامات اجرایی، حداقل در خصوص/اعمال حاکمیتی،^{۱۱} کماکان به‌عنوان قاعده عرفی مستحکم مانده است. اعتبار عرفی این اصل، همواره در کنوانسیون‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و در قوانین داخلی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد و نقض آن برای دولت ناقض، مسئولیت‌زا خواهد بود.

ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۸ با تصویب قانونی با عنوان «قانون مجوز دفاع ملی آمریکا برای سال مالی ۲۰۰۸»،^{۱۲} «قانون مصونیت دولت‌های خارجی»^{۱۳} مصوب ۱۹۷۶ را که در سال ۱۹۹۶ نیز دست به اصلاح آن زده بود، دچار دگرگونی‌هایی کرد. مهم‌ترین تغییری که قانون اخیر نسبت به اسلاف خود داشت، افزودن قید دولت‌های حامی تروریسم به استثنائات اصل مصونیت بود. در این خصوص در گفتار نخست با تفصیل بیشتر سخن گفته خواهد شد.^{۱۴}

طرف دیگر این معادله، رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی آلمان علیه ایتالیا (۲۰۱۲) است.^{۱۵} دیوان بین‌المللی دادگستری در این پرونده که در آن ادعای نقض اصل مصونیت مطرح شده بود، نگاهی عمیق بر این حوزه دارد و در رویارویی سنت و مدرنیته، به اصل مصونیت، وفادار مانده و در خصوص آن به تفصیل سخن می‌گوید.^{۱۶}

این مقاله در صدد است عملکرد دولت آمریکا در لغو مصونیت برخی کشورها را در میزان حقوق بین‌الملل به محک گذارده و سپس این رفتار را در پرتو نظر دیوان بین‌المللی دادگستری بسنجد. بدین منظور، پاسخ به این سؤال که آیا عملکرد دولت آمریکا با رویکرد دیوان بین‌المللی

۱۰. ن.ک: گفتار دوم این نوشتار.

۱۱. تأکید از نگارنده است.

12. National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2008

13. The Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA)

۱۴. متن این قانون در آدرس زیر قابل دستیابی است:

<http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/CRPT-110hrpt477/pdf/CRPT-110hrpt477.pdf>

15. Jurisdictional Immunities of the State (*Germany v. Italy: Greece Intervening*), ICJ Judgment (Feb. 3, 2012)

۱۶. این پرونده بعدها به پرونده «فرینی» مشهور شد.

جهت مطالعه تفصیلی قضیه مزبور، ن.ک:

نوراری، علی؛ «رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اختلاف بین آلمان و ایتالیا: موازنه بین حقوق بین‌الملل کلاسیک و مدرن»، جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱، مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، چاپ دوم، شهر دانش، ۱۳۹۳، صص ۶۵۵ - ۶۸۱

دادگستری در خصوص مصونیت و همچنین اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در تطابق است یا خیر، از اهم اهداف این مقاله است.

در پی جستن پاسخ برای این پرسش، بررسی تطبیقی میان نظام حقوقی بین‌المللی و به‌طور خاص، آنچه در رأی دیوان بیان شده است با حقوق ایالات متحده آمریکا در رابطه با اصل مصونیت انجام شده و در لابه‌لای این مطالعه است که نقاط تطابق یا تعارض سیستم آمریکایی مصونیت با حقوق بین‌الملل ظاهر می‌شود.

بدین ترتیب، نوشته حاضر با معرفی اجمالی عملکرد آمریکا، وارد بیان موازین بین‌المللی مربوط به مصونیت شده و عملکرد این دولت را طبق آن موازین می‌سنجد. آن‌گاه، نگاه کاملاً نو خود را بر روی اصول و قواعد بیان شده در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری گشوده، آن آموزه‌ها را مبنایی برای سنجش عملکرد آمریکا قرار داده و در پایان، نقاط ناهمسوی آن دو را بیان می‌دارد.

۱. نگاهی به عملکرد ایالات متحده در خصوص اصل مصونیت

۱-۱. سیر تحولات قانون مصونیت‌های دولت خارجی

دولت‌های خارجی، نزدیک به دو قرن از مصونیت قضایی نزد دادگاه‌های ایالات متحده بهره‌مند بودند. مثال قدیمی این امر، دعوی *اکسچنج علیه مک فادن* به سال ۱۸۱۲ میلادی^{۱۷} است که در آن، دادگاه‌های آمریکایی اعمال صلاحیت بر پرونده‌هایی را که خوانده آن‌ها دولتی خارجی باشد به‌طور کلی رد کردند. این رویه در مفاهیمی چون «مدارا و نزاکت» ریشه داشت.^{۱۸} در این زمان، مصونیت در مفهوم «مطلق» آن وجود داشت.^{۱۹}

در سال ۱۹۵۲، صلاحیت دادگاه‌های آمریکا بر دعوی علیه دولت‌های خارجی، با صدور سندی به نام «Tate Letter» توسط وزارت خارجه این کشور که حاکی از اتخاذ رویکرد محدودکننده مصونیت دولت‌های خارجی بود، توسعه یافت.^{۲۰} این قانون، اصل کلی مصونیت را به رسمیت شناخت اما بیان داشت که دولت‌های خارجی در ظرفیت اعمال تجاری یا خصوصی خود در مقابل دادگاه‌های آمریکا مصون نیستند.

17. *Schooner Exchange v. McFaddon*, 11 U.S. (7 Cranch) 116 (1812). available at: <http://caselaw.lp.findlaw.com/scripts/getcase.pl?navby=case&court=us&vol=11&invol=116> (last visited: 19/02/2014)

18. *Verlinden B.V. v. Central Bank of Nigeria*, 461 U.S. 480, 486 (1983). available at: <https://bulk.resource.org/courts.gov/c/US/461/461.US.480.81-920.html> (last visited: 19/02/2014)

19. Keller, Joseph, "The Flatow Amendment and State-Sponsored Terrorism", *Seattle University Law Review*, vol. 28:955, 2005, p. 1029.

20. Crowell & Moring, "The Foreign Sovereign Immunities Act; 2010 Year in Review", *Law and Business Review of the Americas Publication*, 2011, p. 3.

مرحله بعد، تصویب قانون مصونیت‌های دولت خارجی در سال ۱۹۷۶ بود که در آن اراده کنگره در محدود نمودن مصونیت، پیداست. این قانون به دادگاه‌ها اجازه می‌داد که به پرونده‌های مطروحه علیه دول خارجی رسیدگی کنند.^{۲۱} قانون مزبور مقرر می‌دارد که دولت‌های خارجی - و تقسیمات سیاسی فرعی و نهادها یا عوامل آن‌ها^{۲۲} - از صلاحیت محاکم آمریکا در امان خواهند بود، به استثنای موارد مندرج در بخش ۱۶۰۵ تا ۱۶۰۷ این قانون. این استثنائات از جمله شامل مواردی می‌شود که دولت خارجی از مصونیت خود به‌طور صریح یا ضمنی صرف‌نظر کرده باشد؛ یا در مواردی که دعوا مبتنی بر فعالیت‌های تجاری دول خارجی در ایالات متحده باشد و همچنین در خصوص فعل یا ترک فعل منتهی به شبه‌جرمی که دولت خارجی یا مأمور رسمی آن در ایالات متحده مرتکب شده باشد.^{۲۳} علاوه بر موارد مندرج در بخش ۱۶۰۵، در بخش ۱۶۰۷ دعوی متقابل،^{۲۴} دولت خارجی نیز به این استثنائات افزوده شده است.

این قانون، در سال ۱۹۹۶ اصلاح شد و استثنائاتی افزون بر آنچه در قانون ۱۹۷۶ برشمرده شده بود، برای مصونیت دولت خارجی رقم خورد.

در نهایت در سال ۲۰۰۸، با تصویب قانون مجوز دفاع ملی آمریکا، قانون ۱۹۹۶ و سایر قوانین مرتبط قبلی، نسخ و قانون جدید حاکم شد. اصلاحات مربوط به اصل مصونیت نیز در قالب الحاقیه‌ای به این قانون جدید تصویب شد.^{۲۵}

۲-۱. استثنائات برشمرده شده در قانون مصونیت‌های دولت خارجی بر اصل مصونیت

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، قانون مصونیت دولت خارجی مصوب ۱۹۷۶، پنج استثنای کلی را بر اصل مصونیت دولت‌ها مقرر کرده بود: ۱. انصراف از مصونیت ۲. اعمال مبتنی بر فعالیت‌های تجاری ۳. دعوی مربوط به سلب مالکیت اموال در پی نقض حقوق بین‌الملل ۴. شبه‌جرم‌های ارتكابی دولت خارجی^{۲۶} ۵. دعوی متقابل.^{۲۷}

اما دولت آمریکا در سال ۱۹۹۶، با اصلاح قانون فوق، اولاً، رابطه سرزمینی را در خصوص شبه‌جرم‌های ارتكابی از بین برد و صلاحیت استثنایی محاکم آمریکا را به شبه‌جرم‌های ارتكابی

21. 28 U.S.C. § 1602 (2009).

22. U.S.: Foreign Sovereign Immunities Act of 1976, codified at title 28, §§ 1330, 1332, 1391(f), 1441(d), and 1602-1611 of the United States Code, sec. 1603

23. *Ibid.*, 1605.

24. Counterclaim

25. Pub. L. No. 110-181, 122 Stat. 3.

26. U.S.: Foreign Sovereign Immunities Act of 1976, sec. 1605(a)

27. U.S.: Foreign Sovereign Immunities Act of 1976, sec. 1607

در خارج از قلمرو خود نیز تسری بخشید و ثانیاً، استثنای دیگر تحت عنوان دول حامی تروریسم^{۳۸} را به چهار استثنای کلی سابق افزود^{۳۹} تا به‌موجب آن، به قربانیان آمریکایی اجازه طرح دعوای مدنی علیه این دولت‌ها اعطا کند.^{۴۰} دولت حامی تروریسم، دولتی بود که وزارت خارجه آمریکا به‌عنوان دولت حامی تروریسم معرفی کرده باشد یا اینکه در عمل مستقیم ترور، مشارکت داشته یا حمایت‌های مادی یا منابع لازم برای اعمال تروریستی را فراهم آورد.^{۴۱} «۵ ماه پس از این اصلاحیه، کنگره بار دیگر با افزودن مقرر «مسئولیت مدنی برای اعمال دولت حامی تروریسم»، قانون مزبور را اصلاح کرد که بعدها به نام اصلاحات فلاتو^{۴۲} شناخته می‌شد.»^{۴۳}

در سال ۲۰۰۸، اصلاحات تازه‌ای در قانون مصونیت دولت خارجی به دلایلی چون «مشکلات و تجارب دستگاه‌های مختلف اجرایی، تقنینی و قضایی آمریکا در صدور و اجرای احکام موسوم به استثنای تروریسم علیه ایران و سایر کشورهای به‌اصطلاح حامی تروریسم»^{۴۴} به‌عمل آمد و استثنای تروریسم به‌موجب بخش 1605A قانون جدید، جایگزین قانون پیشین^{۴۵} شد. گفته آمد که فهرست این دولت‌ها را وزارت امور خارجه تعیین می‌کند.^{۴۶}

به‌موجب این قانون، برای اینکه عمل دولتی داخل در این استثنا شود، باید در یکی از اعمال

28. State Sponsored Terrorism Exception

29. The exception was first enacted as part of the Mandatory Victims Restitution Act of 1996, which was a part of the Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act of 1996. Pub. L. No. 104-132, §221(a)(1)(C), 110 Stat. 1214, 1241 (formerly codified at 28 U.S.C. §1605(a)(7)).

۳۰. اصلاح قانون مصونیت دولت خارجی، آن را برای قربانیان، سهل‌الوصول‌تر می‌ساخت تا کلیه خسارات ناشی از دولت‌های حامی تروریسم را در بر بگیرد. ن.ک:

<http://www.gibsondunn.com/publications/Pages/Amendment-ForeignSovereignImmunitiesAct.aspx> (last visited: 12/02/2014)

31. 28 U.S.C. sec. 1605(a)(1) and (a)(7)

See: Kreindler, James P. and Bennett, Megan Wolfe, "Finding Justice for Victims of State-Sponsored Terrorism", *Los Angeles Lawyer*, July/August 2010. available at: <http://www.lacba.org/Files/LAL/Vol33No5/2724.pdf>

32. Flatow Amendment, Pub. L. No. 104-208, § 589, 110 Stat. 3009-172 (1996) (codified at 28 U.S.C. § 1605 (Supp. 2002))

این اصلاحات در پی دعوای فلاتو علیه جمهوری اسلامی ایران به‌عمل آمد. ن.ک:

- Keller, Joseph, *op cit*, pp. 1031-1033

- *Flatow v. Islamic Republic of Iran*, 999 F. Supp. 1, 7 (D.D.C. 1998)

- Micco, Richard T., "Putting the Terrorist-Sponsoring State in the Dock: Recent Changes in the Foreign Sovereign Immunities Act and the Individual's Recourse against Foreign Powers", 14 *TEMP. INT'L & COMP. L.J.*, 2000, pp. 109-110.

33. Keller, Joseph, *op cit*, p. 1031.

۳۴. کدخدایی، عباسعلی و علی داعی؛ «سلب مصونیت دولت ایران در محاکم آمریکا»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۵.

35. Sec. 1605(a)(7) of the FSIA.

۳۶. در حال حاضر، در این فهرست، نام دولت‌های کوبا، ایران، سودان و سوریه دیده می‌شود. کشورهایی که سابقاً در این فهرست بوده و اکنون حذف شده‌اند، عبارت‌اند از: عراق، افغانستان، یمن جنوبی و لیبی. (Crowell & Moring, *op cit*, p. 24)

«شکنجه، اعدام‌های فراقانونی، خرابکاری در هواپیما، گروگان‌گیری» مشارکت داشته یا حمایت‌های مادی یا منابعی را برای این اعمال مهیا سازد.^{۳۷}

در نهایت، با جمع این قوانین، باید گفت که دولت ایالات متحده آمریکا به‌طور کلی استثنائات زیر را بر اصل مصونیت دول خارجی به رسمیت می‌شناسد: ۱- انصراف از مصونیت^{۳۸} ۲- فعالیت‌های تجاری^{۳۹} ۳- سلب مالکیت^{۴۰} ۴- شبه‌جرم‌های غیرتجاری^{۴۱} ۵- داوری^{۴۲} ۶- تروریسم.^{۴۳}

۱-۳. رویه محاکم ایالات متحده در رابطه با استثنائات اصل مصونیت

نظر به اصلاحات و تغییراتی که در قانون مصونیت دولت خارجی به‌عمل آمد، به‌طور کلی دادگاه‌های آمریکا به استناد استثنای حامی تروریسم و همچنین تغییر به‌عمل آمده در حذف رابطه سرزمینی در خصوص ارتکاب شبه‌جرم، آرای متعددی را بخصوص علیه دولی چون ایران، کوبا، سوریه، لیبی و عراق صادر کرده‌اند.^{۴۴}

در واقع، پس از ۱۹۹۶ بود که سیل آرای محاکم آمریکا علیه دولت‌های خارجی رو به تزاید نهاد. دادگاه‌های این کشور، به کرات، احکامی را علیه - به‌زعم خود - دول حامی تروریسم صادر کرده که عموماً غیابی بوده‌اند. کنگره هرگز مبنایی برای اقامه دعوا علیه خود دولت‌های تروریست ارائه نداده و تنها علیه مقامات رسمی آن‌ها، کارکنان و کارگزاران ارائه کرده است و در نتیجه شکات همواره دعاوی خود را بر اساس قانون ایالتی طرح کرده‌اند و به آن دلیل که مسئله دستیابی محدود به دارایی‌های دولت مدعی علیه برای اجرای حکم، منجر به مشکلاتی شد، کنگره، با افزودن الحاقیه‌ای به قانون مجوز دفاع ملی که پیش‌تر در مورد آن سخن گفته شد،

37. 28 U.S.C. § 1605A(a)(1)

38. 28 U.S.C. § 1605(a)(1)

39. 28 U.S.C. § 1605(a)(2)

40. 28 U.S.C. § 1605(a)(3)

41. 28 U.S.C. § 1605(a)(5)

42. 28 U.S.C. § 1605(a)(6)

به‌موجب اصلاحیه قانون مصونیت‌های دولت خارجی، دادگاه‌های ایالات متحده، صلاحیت اجرای موافقت‌نامه با دولتی خارجی را برای داوری یا برای تصدیق رأی علیه آن در دو مورد خواهند داشت: الف) زمانی که داوری در ایالات متحده انجام شده یا در حال انجام باشد؛ ب) زمانی که موافقت‌نامه یا رأی، مشمول یک عهدنامه یا دیگر توافق‌نامه‌های بین‌المللی قرار گیرد که الزام به شناسایی و اجرای آرای داوری دارد. (Crowell & Moring, *op cit*, p. 23)

مثالی برای چنین عهدنامه‌ای، کنوانسیون مربوط به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی یا کنوانسیون نیویورک است.

(The New York Convention is codified domestically at 9 U.S.C. §§ 201 et seq).

43. § 1605A (NDAIFY, 2008), and 28 U.S.C. § 1605(a)(7)

44. جهت مشاهده جزئیات و تفصیل بیشتر، ن.ک: عبداللهی، محسن و ژوبین نصیری محلاتی؛ «گزارشی از آخرین تحولات نقض مصونیت ایران در دادگاه‌های ایالات متحده»، *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی*، ش ۳، ۱۳۸۶، صص ۲۷۵-۲۸۳؛ Elsea, Jennifer K., *Suits against Terrorist States by Victims of Terrorism*, Congressional Research Service Report for Congress, 2008.

در سال ۲۰۰۸، موجبات اقامه دعوا در سطح فدراسیون علیه دول تروریست و تسهیل اجرای حکم را فراهم آورد.^{۴۵}

دادگاه عالی، به‌طور مستقیم به استثنای تروریسم قانون مصونیت‌های دولت خارجی اشاره نکرده است، هرچند در سال ۲۰۰۶ پرونده‌ای را اعاده کرد که در آن، دادگاه تالی بر مبنای این فرض که وزیر دفاع ایران، یکی از مصادیق «نهادهای یا عوامل» بوده و نه بخشی از خود دولت، رأی صادر کرده بود.^{۴۶}

در نهایت، شاید چالش‌برانگیزترین بخش رویه محاکم ایالات متحده، مربوط به استثنای دول حامی تروریسم باشد. دادگاه‌ها در موارد برخورد با این‌گونه ادعاها، به چند مورد توجه می‌کنند؛ اول، اعمال مرتبط مذکور در شق سوم قسمت (ج) بخش استثنای تروریسم ۲۰۰۸،^{۴۷} و دوم، به خسارات. در خصوص مورد اخیر، به خسارات ترمیمی^{۴۸} و استفاده از خبرگان ویژه^{۴۹} و نیز خسارات تنبیهی^{۵۰} نظر دارند.^{۵۱} این در حالی است که «تردیدی در عدم مشروعیت این خسارت (خسارت تنبیهی) در

45. Elsea, Jennifer K., *op cit*, at summary.

46. *Ibid*.

47. Sec. 1605A, (c) (3): Related Actions.

48. Compensatory Damages

به‌عنوان نمونه، دادگاه منطقه‌ای کلمبیا در دعوای کیلی برن علیه جمهوری اسلامی ایران، ایران را مسئول ۱۶ ماه گروگانگیری و متعاقب آن، مرگ کتابدار دانشگاه پیتر کیلبرن توسط حزب‌الله در سال ۱۹۸۶ قلمداد کرد.

(*Kilburn v. Islamic Republic of Iran*, 699 F. Supp. 2d 136, 139 (D.D.C. 2010))

49. Use of Special Masters

چندین دادگاه در پرونده‌های متعددی که در پی حادثه بمب‌گذاری سال ۱۹۸۰ آسایشگاه نیروی دریایی آمریکا در بیروت نزد آن‌ها مطرح شده بود، از خبرگان ویژه استفاده کردند. دادگاه‌ها در این پرونده‌ها، عموماً از توصیه‌های خبره ویژه انتصابی پیروی کرده‌اند.

(*Anderson v. Islamic Republic of Iran*, No. 08-cv-535 (RCL), 2010 WL 4871189, pp. 15-16; *Valore v. Islamic Republic of Iran*, 700 F. Supp. 2d 52, 69-70 (D.D.C. 2010) at 83; and *Murphy v. Islamic Republic of Iran*, 740 F. Supp. 2d 51, 68 (D.D.C. 2010) p. 76).

50. Punitive Damages

محاکم آمریکا این نوع خسارت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «خسارت تنبیهی به‌منظور مجازات خواننده‌ای که مرتکب عمل بسیار زننده‌ای شده و برای جلوگیری از تکرار عمل مشابه آن در آینده، صادر می‌شود». (عبداللهی، محسن؛ «خسارات تنبیهی در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی*، ش ۳۰، بهار ۱۳۸۳، ص ۹۵).

۵۱. مبنای اختیار خواهان در طرح دعوا به‌منظور خسارات تنبیهی نیز در بخش (c) 1605A قرار دارد. این امکان را اصلاحات سال ۲۰۰۸ به خواهان دعوا داد، چرا که قبل از آن، راهی جز مطالبه خسارات ترمیمی وجود نداشت. از آنجایی که پیش از این اصلاحات، امکان طرح چنین دعوایی نبود همواره این سؤال مطرح بوده است که چنانچه خواهان به‌موجب 28 U.S.C. § 1605(a)(7) و پیش از تصویب اصلاحات در این قانون از دادگاهی حکم به جبران و ترمیم خسارات خود گرفته باشد، آیا اکنون مجدداً می‌تواند به استناد بخش (c) 1605A فعلی برای مطالبه خسارت تنبیهی اقدام کند. در پاسخ، رویه‌ها متفاوت است؛ در پرونده‌ای، دادگاه اجازه طرح دعوایی برای مطالبه خسارت تنبیهی را داد، در صورتی که قبل از آن به‌موجب 28 U.S.C. § 1605(a)(7) حکم به خسارت جبرانی نیز گرفته شده بود. (Rimkus, 2010 WL 4628317, at *10) در مقابل، در پرونده *آندرسون*، دادگاه نظری دیگر داشت و عنوان نمودن خسارت تنبیهی به‌عنوان سببی جداگانه برای اقامه دعوا را ناشایست دانست.

حقوق بین‌الملل باقی نمانده است».^{۵۲} در مجموع، محاکم آمریکا با استناد به این استثنا، در موارد عدیده‌ای علیه دولت‌های مذکور در فهرست وزارت خارجه خود، دست به رسیدگی و صدور حکم و تا حدی اجرای حکم زده‌اند.

۲. تحلیل عملکرد ایالات متحده از منظر حقوق بین‌الملل

نظر به مختصری که در مقدمه در وصف مصونیت آمد، باید گفت که در حقوق بین‌الملل نیز بر این اصل کلی، استثنائاتی در گذر ایام رقم خورده است و گرد زمان توانسته است رفته‌رفته از تیرگی سیمای مصونیت بکاهد. اما آنچه تحلیل و سنجش آن در این گفتار مورد نظر است، انطباق عملکرد ایالات متحده آمریکا با استثنائات به رسمیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل است.

۱-۲. فعالیت‌های تجاری

رویه کنونی دولت‌ها رو به سمتی متمایل است که مصونیت را صرفاً متوجه اعمال حاکمیتی دانسته و در خصوص اعمال تجاری، چندان وقعی به آن نمی‌نهند.^{۵۳} این استثنا در حقوق بین‌الملل نیز صورتی عرفی یافته و مورد تأیید است.

«کنوانسیون ملل متحد در خصوص مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها»^{۵۴} استثنای مصونیت را در خصوص معاملات تجاری انجام شده میان دولت و اشخاص خصوصی پذیرفته است، (بند ۱ ماده ۱۰) و همچنین در مورد شرکت‌ها و موجودیت‌هایی که خود شخصیت حقوقی دارند. (بند ۳ ماده ۱۰) البته کنوانسیون مزبور، معاملات میان دو دولت را، در صورتی که دو طرف معامله به نحو دیگر مقرر کرده

^{۵۲} Anderson v. Islamic Republic of Iran, No. 08-cv-535 (RCL), 2010 WL 4871189, at:15) باوجود این،

همچنان دادگاه‌ها اجازه طرح چنین دعوایی را می‌دهند. (Crowell & Moring, *op cit*, p. 26)

از طرف دیگر، برخی دادگاه‌ها بر این نظرند که رأی به خسارات تنبیهی می‌تواند علیه دولت حامی تروریسم صادر شود، حتی در صورتی که حکم تنبیهی قبلاً علیه همان دولت و به نفع خواهانی دیگر که قربانی همان عمل یا حادثه بوده است، صادر شده باشد. به‌زعم دادگاه، این خسارت جنبه شخصی داشته و می‌تواند در پرونده‌های آتی به خواهان‌های دیگر نیز تعلق گیرد. (Murphy v. Islamic Republic of Iran, 740 F. Supp. 2d 51, 68 (D.D.C. 2010); and, Phillip Morris USA v.)

(Williams, 549 U.S. 346 (2007)

^{۵۳} عبداللهی؛ پیشین، ص ۱۱۶.

^{۵۳} Bankas, Ernest K., *The State Immunity Controversy in International Law*, Springer, Germany, 2005, p. 319.

^{۵۴} United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, Adopted by the General Assembly of the United Nations on December 2, 2004, not yet in force.

باشند، مشمول این استثنا نمی‌داند. (بند ۲ ماده ۱۰)^{۵۵}

بنابراین در گام نخست در این مورد باید تعیین شود که چه فعالیتی تجاری بوده و کدام فعالیت، داخل در اختیار حاکمه منحصر یک دولت قرار می‌گیرد.^{۵۶} در پاسخ به این سؤال، رویه محاکم مختلف بر پایه این رویکرد استوار بوده است که: «دولت، تنها آن جنبه از قدرتش را اجرا می‌کند که شهروند خصوصی نیز می‌تواند انجام دهد، سوای آن جنبه که مختص حاکمیت است».^{۵۷}

قانون مصونیت ۱۹۷۶ اعمال تجاری را «جریان معمول اعمال تجاری» یا «دادوستد یا عمل خاص تجاری» تعریف می‌کند و بیان می‌دارد که «ویژگی تجاری این اعمال به‌واسطه رجوع به طبیعت آن اعمال، منصرف از اهداف آن‌ها مشخص می‌شود».^{۵۸}

کنوانسیون مصونیت دولت‌ها نیز محدوده اعمال تجاری را این‌گونه مشخص می‌سازد: هرگونه عمل یا دادوستد تجاری به‌منظور فروش کالا یا ارائه خدمات؛ هرگونه قرارداد وام یا دیگر اعمال دارای ویژگی مالی، شامل هرگونه تعهد ضمانت یا گرامت در خصوص چنین وام یا معامله‌ای؛ هرگونه قرارداد یا معامله دیگر تجاری، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای، به‌جز قرارداد استخدامی اشخاص. (شق سوم بند اول ماده ۲)

آنچه از تمام این مقررات برمی‌آید این است که یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌هایی که باعث عدم تسری اصل مصونیت به اعمال تجاری شده است، غیرحاکمه‌بودن یا تصدی‌گری‌بودن این اعمال است.^{۵۹}

۵۵. هرچند با عبارات بند اول که صرفاً معاملات میان دولت با اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی را داخل در استثنای مصونیت دانسته است به‌طور تلویحی می‌توان دریافت که معاملات میان دو دولت از محدوده آن خارج است، اما کمیسیون حقوق بین‌الملل با دریافت این احتمال که می‌توان از عبارت «اشخاص حقیقی و حقوقی» تفسیر موسع کرد و آن‌ها را شامل هم اشخاص خصوصی و هم عمومی دانست، و نظر به اهمیت مصون‌بودن دولت‌ها در معاملات بین دو دولت، به‌طور صریح، معاملات میان دو دولت را در بند دو، همچنان تابع اصل کلی مصونیت دانسته است.

(Draft Articles on Jurisdictional Immunities of States and Their Property with Commentaries, *Yearbook of the International Law Commission*, 1991, vol. II, Part Two, p. 34.)

56. See: Bankas, Ernest K., *op cit*, p. 319.

57. *Ford Motor Co. v. Russian Federation*, No. 09 Civ. 1646 (JGK), 2010 WL 2010867 (S.D.N.Y. May 18, 2010); *Saudi Arabia v. Nelson*, 507 U.S. 349, 360 (1993); and *Swarna v. Al-Awadi*, 622 F.3d 123, 147 (2d Cir. 2010).

58. U.S.: Foreign Sovereign Immunities Act of 1976, sec. 1603(d)

۵۹. لزوم تفکیک و بیان دقیق مصادیق اعمال تجاری همواره از مسائل قابل‌توجه جامعه بین‌المللی و همچنین قانونگذاری‌های داخلی بوده است. به همین منظور بود که در طرح اولیه پیش‌نویس مواد راجع به مصونیت، واژه «معاملات تجاری» جایگزین «قراردادهای تجاری» شد (YILC, *op cit*, p. 19, para. 20) و همچنین می‌بینیم که کنوانسیون مصونیت دولت‌ها در احصاء مصادیق اعمال تجاری در طی سه بند، دقت به خرج داده است. در قوانین داخلی نیز می‌توان از قانون مصونیت دولت خارجی ۱۹۷۸ بریتانیا نام برد که این قانون هم به مانند کنوانسیون مصونیت سعی در احصاء دقیق و مشخص اعمال تجاری داشته است. (Section 3(3) of the U.K. State Immunity Act 1978) این در حالی است که با تمام این تدقیق، باز هم برخی از

باوجود این، اولاً، قانون مصونیت ۱۹۷۶ ایالات متحده، با بیانی کلی اعمال تجاری را تعریف کرده و دامنه آن را دقیق مشخص نکرده است و این خود موجب تداخل و عدم تفکیک دقیق میان اعمال حکومتی و اعمال خصوصی یا تصدی می‌شود. ثانیاً، ایالات متحده با قانون مصونیت دولت خارجی حتی بر اعمال حاکمیتی نیز اعمال صلاحیت می‌کند که این آشکارا مغایر با اصل مصونیت عرفی بین‌المللی است.^{۶۰} نمونه این تجویز اختیار در این قانون این‌گونه آمده است: «دولت خارجی از صلاحیت دادگاه‌های ایالات متحده مصون نخواهد بود ... در صورتی که چنین اعمالی ... توسط مقام رسمی، کارمند یا نهادی از این کشورها که در حدود وظایف رسمی، استخدامی یا سازمانی خود عمل کرده باشد، ارتکاب یافته باشد».^{۶۱}

در سال‌های اخیر و از ۲۰۱۰ به این سو، محاکم آمریکا، استثنای فعالیت‌های تجاری را در موضوعات بسیار گسترده‌ای از مسئولیت قراردادی عمومی گرفته تا پرونده‌های استخدامی و مسائل بیمه‌ای و حتی موارد مسئولیت جانشین کشورهایی که دیگر موجود نیستند به اجرا گذارده است. در هریک از این پرونده‌ها، دادگاه‌ها در صدد ارائه توجیهاتی برای حاکمان و همچنین حقوق‌دانان در خصوص شمول این استثنائات و چگونگی اعمال آن‌ها در آینده بوده‌اند.^{۶۲} با اینکه خاتمه‌دادن مبحث اعمال تجاری تا این حد کوتاه، شایسته نیست، ناگزیر باید از هدف کلی مقاله پیروی کرد و از بحثی که مقاله در صدد بسط آن نیست، گذشت.

۲-۲. انصراف از مصونیت

انصراف از مصونیت یا رضایت (اعم از صریح یا ضمنی) به اعمال صلاحیت که در حقوق بین‌الملل هم به رسمیت شناخته شده است، در ماده ۷ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها آمده است. آنچه از این ماده برمی‌آید این است که رضایت باید به‌طور صریح صورت پذیرد. لذا این عبارت که «هرگونه موافقت‌نامه‌ای از جانب یک دولت مبنی بر اعمال حقوق دولتی دیگر، به‌عنوان رضایتی بر اعمال صلاحیت دادگاه‌های آن کشور دیگر قلمداد نخواهد شد»، (بند ۲ ماده ۷)^{۶۳} نیز مؤید این گفته است و درنهایت، برای اعمال صلاحیت دادگاه باید دلیل و مدرکی آشکار و صریح

حقوق‌دانان ابراز داشته‌اند که قانون مزبور نتوانسته است تفکیکی دقیق و مشخص مابین اعمال حاکمه و اعمال تصدی ترسیم کند. (Alcom v. Republic of Colombia [1984] 2 All ER 6, 10; 74 ILR, p. 183)

۶۰. جهت ملاحظه رویه دادگاه‌ها در این خصوص و مطالعه دقیق‌تر رفتار دوگانه این محاکم، ن.ک:

Shaw, Malcolm N., *op cit*, pp. 721-724.

61. 28 U.S.C. sec. 1605A(a)(1)

62. Crowell & Moring, *op cit*, p. 10.

۶۳. نمونه این مقرر را می‌توان انتخاب قانون دولت خارجی به‌عنوان قانون حاکم بر دعوا یا معامله نام برد.

بر این رضایت وجود داشته باشد.^{۶۴} همچنین، همان‌طور که کمیسیون حقوق بین‌الملل اظهار می‌دارد، باید به مسئله رضایت به اعمال صلاحیت دادگاه و (رضایت) به اجرای قانون یا حقوق در یک قضیه، به‌طور مجزا نگریسته شود.^{۶۵}

در خصوص انصراف ضمنی نیز بنابر عقیده کمیسیون حقوق بین‌الملل، دخالت در ماهیت دعوا/یا طرح دعوا موجب می‌شود که آن دولت دیگر نتواند به مصونیت خود استناد جوید. (بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها) با بررسی که در طرح مواد راجع به مصونیت به‌عمل می‌آید مشاهد می‌شود که درحقیقت، شرکت ماهوی در دعوا (نه صرف دفاع) و تا حدودی، دعوای متقابل، تنها راه انصراف ضمنی از مصونیت است که مورد تأیید کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار گرفته است.^{۶۶} دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا در این خصوص، پایه‌ای تحولات قانون مصونیت دولت خارجی آن کشور قدم برداشته و احکام آن‌ها شایان توجه است. در سال‌های اخیر، دادگاه‌ها بر انصراف ضمنی از مصونیت، تمرکز داشته‌اند. آن‌ها این امر را بررسی می‌کردند که آیا چنین انصرافی را می‌توان در دو زمینه انتخاب قانون حاکم بر دعوای یا اعمال حقوقی و دوم در حیطه ادعای دعوای تقابل توسط قوای حاکم یافت؟ به‌عنوان مثال، در خصوص احتمال اول، دادگاه فدرال منطقه شمالی کالیفرنیا در پرونده فرهنگ علیه مؤسسه آموزشی هندی، بررسی کرد که آیا اولاً، توافق مابین آن‌ها که بیان می‌داشت «قانون ایالات متحده بر این موافقت‌نامه حاکم خواهد بود» و ثانیاً، طرفین، رضایت به صلاحیت شخصی در دادگاه‌های ایالت کالیفرنیا دارند، می‌تواند نوعی انصراف ضمنی از مصونیت قلمداد شده و تحت قانون مصونیت دولت خارجی قرار گیرد؟ که درنهایت، این نشانه‌ها را انصراف ضمنی از مصونیت برآورد می‌کند.^{۶۷} این رویه را برخی دادگاه‌های دیگر نیز در برخی پرونده‌ها دنبال کرده‌اند.^{۶۸}

ملاحظه می‌شود که در رویه محاکم ایالات متحده از این استثنا نیز در راستای عملکردهای کلان دولت آمریکا تفسیر موسع شده است و در مواردی انتخاب قانون محل دادگاه به‌عنوان قانون حاکم بر قرارداد را به نحوی انصراف از مصونیت تلقی کرده‌اند^{۶۹} که رویه‌ای در جهت عکس حقوق بین‌الملل است.

64. YILC, *op cit*, p. 26, para. 4.

65. *Ibid*, p. 28, para. 13.

66. YILC, *op cit*, p. 28, para. 1 and p. 30-31, para. 1.

67. *Farhang v. Indian Inst. of Tech.*, C-08-02658 RMW, 2010 WL 519815, at: 3 (N.D. Cal. Jan. 26, 2010).

68. جهت ملاحظه موارد مشابه و مطالعه تفصیلی‌تر، ن.ک: آرای زیر:

- *Lasheen v. The Loomis Co.*, CIV. S-01-227, 2010 WL 3448601, at: 3 (E.D. Cal. Sept. 1, 2010).

- *State Farm Mut. Auto. Ins. Co. v. Ins. Corp. of British Columbia*, CV-09-762-ST, 2010 WL 331786, at: 11 (D. Or. Jan. 25, 2010).

69. *Farhang v. Indian Inst. of Tech.*, C-08-02658 RMW, 2010 WL 519815, at *3 (N.D. Cal. Jan. 26, 2010).

در برخی پرونده‌ها نیز مشاهده می‌شود که حتی دادگاه‌ها شرط یا قرارداد داوری را نیز داخل در این موضوع دانسته و آن را انصراف ضمنی از مصونیت قلمداد می‌کنند،^{۷۰} در صورتی که این دیدگاه با خواست صریح کمیسیون حقوق بین‌الملل^{۷۱} و با پیشینه عرفی قاعده مصونیت که باید از دامنه استثنائات آن کاست، در تعارض آشکار است.

۲-۳. دعوای تقابل

دعوای تقابل که در حقوق بین‌الملل، استثنایی بر مصونیت تلقی می‌شود سه جنبه یا صورت دارد: (۱) دولتی نزد دادگاه خارجی اقدام به طرح دعوا کند و در پاسخ به این دعوا و در همان موضوع علیه او دعوای تقابلی مطرح شود. در این صورت، در رابطه با دعوای اخیر نمی‌تواند به اصل مصونیت استناد کند؛ (بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون مصونیت) (۲) دولت خارجی در دعوایی نزد دادگاه دولتی دیگر وارد شود و در این حال، دعوای تقابلی علیه وارد مطرح شود، این دولت نمی‌تواند به مصونیت استناد کند؛ (بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون) (۳) دولت خارجی در پاسخ به دعوایی که علیه او در دادگاه کشوری دیگر مطرح شده، دعوای تقابل طرح کند. (بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون) در رابطه با دعوای تقابل، رویه اکثر دادگاه‌های ایالات متحده بر این است که آن را انصراف از مصونیت قلمداد کنند. با این حال، دادگاه فدرال ایالت تگزاس با علم به رویه عکس برخی محاکم،^{۷۲} بیان داشت که دعوای متقابل خوانده را نمی‌توان به عنوان انصراف ضمنی از مصونیت به موجب شق نخست بند (الف) بخش ۱۶۰۵ قانون تصور کرد.^{۷۳}

۲-۴. قراردادهای استخدام

این بند که کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح پیش‌نویس کنوانسیون مصونیت آورده است به‌طور خلاصه از این قرار است:

جز در مواردی که به نحوی دیگر میان دولت‌های ذی‌ربط، توافق شده باشد، دولت نمی‌تواند نزد دادگاه دولتی دیگر به مصونیت از صلاحیت استناد جوید که به طرق دیگر، صالح به رسیدگی به دعوایی است که مربوط به قرارداد استخدامی میان آن دولت و یک فرد جهت

70. *Cont'l Transfert Technique Ltd. v. Fed. Gov't of Nigeria*, 697 F. Supp.2d 46, 56 (D.D.C. 2010), p. 56. available at: <https://casetext.com/case/contl-transfert-technique-ltd-v-fed-govt-of-nigeria#UwcpRPMsXic>

71. YILC, *op cit*, p. 55, para. 6.

72. *Citing Blaxland v. Commonwealth Dir. of Pub. Prosecutions*, 323 F.3d 1198, 1206 (9th Cir. 2003) and *Siderman de Blake v. Republic of Argentina*, 965 F.2d 699 (9th Cir. 1992).

در این آرا مشاهده می‌شود که عقیده بر آن است که استفاده کشوری خارجی از دادگاه‌های ایالات متحده می‌تواند بر اعمال (انصراف از مصونیت) sec. 1605(a)(1) دلالت نماید.

73. *UNC Lear Services, Inc. v. Kingdom of Saudi Arabia*, 720 F. Supp. 2d 800, 803 (W.D. Tex. 2010).

کار انجام‌شده یا در حال انجام است، که کل یا بخشی از آن در سرزمین دولت دیگر باشد. این استثنا بر مصونیت در مواردی که کارمند برای اجرای وظایف بسیار نزدیک با اجرای اقتدارات حکومتی استخدام شده باشد، یا اینکه کارمند، تبعه خود کشور کارفرما باشد و همچنین اگر تبعه هیچ‌یک از کشورهای استخدام‌کننده یا کشور محل دادگاه نباشد، اعمال نخواهد شد. (بند ۲ ماده ۱۱)

در پرونده‌ای که در این خصوص علیه مأموریت دائم عربستان سعودی مطرح شده بود، دادگاهی در ایالات متحده، همین نتیجه را گرفت و بیان داشت که طبیعتاً استخدام خواهان، عملی حاکمیتی بوده و در نتیجه دادگاه نمی‌تواند بر آن اعمال صلاحیت کند.^{۷۴} در پرونده‌ای دیگر نیز که علیه دفتر نمایندگی اقتصادی و فرهنگی چین تاپیه مطرح شد،^{۷۵} دادگاه دو عامل را بررسی کرد؛ اول اینکه آیا مستخدم، کارمند دولت بوده است و اگر نه، دوم اینکه مسئولیت شغلی کارمند دولت، تجاری است یا حاکمه؟ پاسخ سؤال نخست را منفی داده و مسئولیت شغلی او را تجاری می‌یابد و در نتیجه خوانده را در مقابل دادگاه، دارای مصونیت نمی‌داند.^{۷۶} معمولاً این رویه در اکثر پرونده‌ها جاری بوده است.^{۷۷}

این رویه نیز با موازین حقوق بین‌الملل همخوانی ندارد چرا که ملاحظه شد که کنوانسیون مصونیت در تعریف اعمال تجاری، در شق سوم بند اول ماده ۲ به صراحت قراردادهای استخدامی را استثنا کرده است و آن را تجاری ندانسته است. لذا تجاری فرض نمودن این‌گونه قراردادهای چندان توجیه‌پذیر نیست.

۵-۲. شبه‌جرم‌های ارتكابی دولت یا مسئولیت مدنی

در صورتی که شبه‌جرم‌های ارتكابی موجب خسارت به اشخاص حقیقی یا حقوقی شده باشد، یکی دیگر از استثنائات مصونیت دولت است. شبه‌جرم‌ها برخلاف اعمال تجاری، عمدتاً اعمال غیرارادی است^{۷۸} که با ایراد خسارت به غیر، موجب مسئولیت خارج از قرارداد یا قهری دولت‌های خارجی می‌شود.^{۷۹}

74. *Hijazi v. Permanent Mission of Saudi Arabia to the United Nations*, No. 10-0904-cv, 2010 WL 5174946 (2d Cir. Dec. 22, 2010).

75. *Lian Ming Lee v. Taipei Economic & Cultural Representative Office*, No. 4:09-cv-0024, 2010 WL 786612 (S.D. Tex. Mar. 5, 2010).

76. *Ibid.*, at: 5.

77. *El Hada v. United Arab Emirates*, 469 F.3d 658 (D.C. Cir. 2007); and *Shih v. Taipei Economic and Cultural Representative Office*, 693 F. Supp. 2d 805 (N.D. Ill. 2010).

78. کمیسیون حقوق بین‌الملل، فرض فعل عمدی را نیز پیش‌بینی کرده است. (YILC, *op cit*, p. 44, para. 3)

79. سیفی، سید جمال؛ «وحدت مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی بین‌المللی و آثار آن در حقوق معاهدات»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۱۴-۱۳، سال ۱۳۷۲-۷۳، صص ۲۰۲-۲۰۰؛ به نقل از: عبداللهی و شافع، پیشین، ص ۷۱.

عناصر این عمل بنابر آنچه کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان می‌دارد عبارت‌اند از: ۱) صدمه یا مرگ اشخاص که منجر به اقامه دعوی جبران خسارت مالی شده باشد؛ ۲) خسارت به اموال عینی وارد شده باشد؛ ۳) این نتایج از فعل یا ترک‌فعل دولت حاصل شده باشد؛ ۴) فعل یا ترک‌فعل در کل یا بخشی از آن، در خاک آن دولت دیگر صورت گرفته باشد^{۸۰} و مرتکب در سرزمین محل وقوع عمل یافت شود^{۸۱} (ماده ۱۲ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها).^{۸۲}

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که کمیسیون حقوق بین‌الملل به عنصر سرزمینی این عمل اهمیت بسیار داده است (هم ارتکاب تمام یا بخشی از عمل و هم حضور مرتکب در سرزمین متبوع دادگاه).^{۸۳} لزوم وجود این عنصر در کنوانسیون اروپایی مصونیت نیز برجسته شده است.^{۸۴} علاوه بر این، در رویه قضایی داخلی و قانونگذاری داخلی بسیاری از کشورها نیز به لزوم وجود چنین عنصری توجه ویژه شده است.^{۸۵} با وجود این، مشاهده شد^{۸۶} که ایالات متحده با اصلاحات سال ۱۹۹۶ لزوم وجود این ارتباط را از میان برد و به دادگاه‌ها اجازه اعمال صلاحیت بر شبه‌جرم‌های ارتكابی توسط دولت خارجی را که از عنصر سرزمینی برخوردار نیست اعطا کرد و تردیدی نیست که این عمل آشکارا در تعارض با موازین حقوق بین‌الملل عرفی و معاهده‌ای در خصوص اصل مصونیت است.

80. YILC, *op cit*, p. 45, para. 6.

81. *Ibid.* para. 7.

۸۲. کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح پیش‌نویس این کنوانسیون در این خصوص نکات چندی را خاطر نشان می‌سازد:

۱- این ماده در خصوص شبه‌جرم یا مسئولیت مدنی اعمال می‌شود که از فعل یا ترک‌فعلی ناشی شده باشد که منجر به صدمه شخصی به شخص حقیقی یا خسارت به اموال عینی شده باشد. (ن.ک):

The State Practice Cited in the Fifth Report of the Former Special Rapporteur, paras. 76-99. See also: *Australia Foreign States Immunities Act of 1985*, section 13.

۲- این استثنا تنها در مورد یا در شرایطی اعمال می‌شود که دولت ذی‌ربط به‌موجب قانون محل ارتکاب جرم مسئول باشد.

۳- فعل یا ترک‌فعل می‌تواند به شکل عمدی، تصادفی یا ناشی از بی‌مبالاتی متناسب به دولت خارجی صورت گیرد. اما عمدتاً به خسارات ناشی از موارد اتفاقی یا مسئولیت غیرقراردادی مربوط می‌شود.

۴- فعل یا ترک‌فعل زیان‌بار باید در خاک کشور متبوع دادگاه روی دهد.

۵- این ماده به‌هیچ‌وجه، مواردی را که منجر به صدمات بدنی نشده باشد نظیر لطمه به حیثیت یا افترا و توهین را در بر نمی‌گیرد.

۶- منظور از «مرتکب عمل»، نماینده یا مقامات رسمی دولت در حین انجام وظیفه رسمی خود است و نه لزوماً خود دولت به‌عنوان شخص حقوقی.

۷- عبارت «قابل انتساب به دولت» به این قصد آمده است که مابین اعمال اشخاصی که نمی‌توان به دولت نسبت داد و اعمالی که می‌توان متناسب به دولت کرد، تمایزی ایجاد شود. ن.ک:

YILC, *op cit*, p. 44-46, Commentary to article 12.

83. YILC, *op cit*, p. 44-46, Commentary to article 12, particularly at p. 45, para. 6.

84. European Convention on State Immunity of 16 May 1972, article. 11.

۸۵. ن.ک: YILC, *op cit*, p. 44-46, Commentary to article 12.

۸۶. ن.ک: بند (ب) گفتار اول این نوشتار.

نکته دیگر که در رویه محاکم ایالات متحده در تقابل با حقوق بین‌الملل خودنمایی می‌کند، حکم به خسارات غیرمالی یا تنبیهی علیه مرتکب شبه‌جرم است که در محاکم آمریکا به آن پرداخته می‌شود. این در حالی است که کمیسیون حقوق بین‌الملل با درج عبارت «مالی» قبل از عبارت «جبران خسارت»، قصد صریح بر این داشته است تا هرگونه جبران خسارت غیرمالی را از دایره ماده ۱۲ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها خارج کند.^{۸۷}

در مقام تعیین اینکه آیا عمل ادعایی، شبه‌جرم است یا خیر، دادگاه‌ها به‌طور کلی حقوق ماهوی ایالتی را که عمل در آن ارتکاب یافته است اعمال می‌کنند.^{۸۸}

بررسی پرونده‌ها نشان می‌دهد که دادگاه‌ها تمایل دارند که به‌منظور حمایت از خسارت‌دیدگان این عمل، زمانی که دولت‌های خارجی به‌عنوان مرتکب خارجی عمل می‌کنند، از این استثنا استفاده کنند.^{۸۹} دعوای *فلاتو* نیز مصداق این استثنا بود. در این دعوا، اصلاحیه ۱۹۹۶ به‌عمل آمده در دادگاه ذی‌مدخل اجرا شد و باوجود نبودن عنصر سرزمینی، دادگاه باز هم به این استثنا استناد جست و رأی صادر کرد.^{۹۰} رویه جدید دادگاه‌ها بر آن است که این اصلاحات را در خصوص شبه‌جرم، تنها درمورد مقامات رسمی، کارمندان یا نهادهای دولت خارجی اجرا کند و نه علیه خود دولت خارجی.^{۹۱}

در خصوص مقامات رسمی نیز اشاره به این نکته ضروری است که تا پیش از پرونده *سامانتار* علیه یوسف،^{۹۲} محاکم آمریکا به‌طور غالب، قانون مصونیت دولت خارجی را حاکم بر مقامات رسمی دولت‌های خارجی نیز دانسته و آن را مصداق عبارت «نهادهای یا عوامل» دولت می‌دانستند. اما در پرونده *سامانتار*، دادگاه عالی ایالات متحده به اتفاق آرا رأی داد که قانون مصونیت دولت خارجی (FSIA) که به مسئله مصونیت دولت‌های خارجی در محاکم ایالات متحده می‌پردازد، در

87. YILC, *op cit*, p. 46, para. 10.

88. *Swarna v. Al-Awadi*, 622 F.3d 123, 144 (2d Cir. 2010) (citing *Robinson v. Gov't of Malaysia*, 269 F.3d 133, 142 & n.11 (2d Cir. 2001)).

89. See: *USAA Cas. Ins. Co. v. Permanent Mission of the Republic of Namibia*, No. 10-cv-4262(LTS), 2010 WL 4739945, p. 3 (S.D.N.Y. Nov. 17, 2010); and *Argentine Republic v. Amerada Hess Shipping Corp.*, 488 U.S. 428, 439-40 (1989).

90. *Flatow v. Islamic Republic of Iran*, 999 F. Supp. 1, 7 (D.D.C. 1998).

در این قضیه، *الیسا میشل فلاتو* دانشجوی ۲۱ ساله آمریکایی بر اثر حادثه بمب‌گذاری در سال ۱۹۹۵ در نوار غزه به قتل رسید. مسئولیت این بمب‌گذاری را بعدها گروه فتحی شقاقی جهاد اسلامی فلسطین به عهده گرفت. دادگاه منطقه کلمبیای ایالات متحده با وجود غیرسرزمینی بودن شبه‌جرم، در چارچوب اصلاحات به‌عمل آمده در سال ۱۹۹۶ (ن.ک: بند (ب) از همین گفتار) صلاحیت خود را محرز دانست و دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات، رهبر و رئیس‌جمهور وقت آن را به پرداخت خسارتی به میزان ۲۴۷/۵ میلیون دلار محکوم کرد. (عبداللهی، محسن و میرشهبیز شافع؛ *مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل*، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۸۲، ص ۸۶ و ۱۰۳۱ (Keller, Joseph, *op cit*, p. 1031

91. Keller, Joseph, *op cit*, p. 1033.

92. *Samantar v. Yousef*, U.S. Supreme Court, 130 S. Ct. 2278 (2010).

دعای مطروحه علیه مقامات رسمی دول خارجی که در سمت شخصی انجام شده باشد، اعمال نخواهد شد.^{۹۳}

۲-۶. مالکیت، تصرف و استفاده از اموال و سایر فعالیت‌های مادی و کشتی‌رانی

زیر این عنوان، موارد متعددی جای می‌گیرد که در کنوانسیون مصونیت نیز به آن اشاره شده است اما نظر به ضرورت ایجاز، لازم است گذرا به آن اشاره شود.

به‌طور خلاصه، دولت خارجی نمی‌تواند در این موارد، نزد دادگاه دولتی دیگر به مصونیت خود استناد کند: (۱) دعوی مرتبط با تعیین هر حق یا منفعت دولت خارجی که از اموال غیرمنقول تحت تملک یا تصرف یا استفاده مستقر در خاک دولت محل دادگاه دارد؛ (۲) حق یا منفعت مربوط به اموال منقول یا غیرمنقول که از راه جانشینی یا هبه حاصل شده باشد؛ (۳) حق یا منفعت مربوط به اداره اموال نظیر تراست یا تصفیه اموال شرکت؛ (ماده ۱۳ کنوانسیون مصونیت) (۴) تعیین هر حقی نسبت به هرگونه اموال غیرمادی^{۹۴} که در خاک کشور دادگاه مورد حمایت قرار گرفته باشد و ادعای تخلف نسبت به این اموال از جانب دولت خارجی؛ (ماده ۱۴ کنوانسیون)؛ (۵) مشارکت در شرکت‌ها یا نهادهای جمعی (ماده ۱۵ کنوانسیون) و (۶) اداره یا مالکیت کشتی.^{۹۵}

دادگاه‌های ایالات متحده، موارد فوق‌الذکر را تماماً در تحت پوشش اعمال تجاری قرار داده و نسبت به آن‌ها علیه دولت خارجی اعمال صلاحیت می‌کنند.

۲-۷. قرارداد داوری

در این رابطه، آنچه نتیجه بررسی‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل بوده و در قالب کنوانسیون مصونیت بیان شده است، اشاره دارد که در صورتی که یک دولت با یک شخص حقیقی یا حقوقی خارجی قراردادی برای ارجاع اختلافات معاملات تجاری خود به داوری منعقد کند، آن دولت نزد دادگاه دولت دیگر که به طرق دیگر در موارد ذیل صالح است، نمی‌تواند به مصونیت استناد کند: الف) اعتبار یا تفسیر قرارداد داوری؛ ب) تشریفات مربوط به داوری؛ ج) ابطال رأی داوری. (ماده

93. Elsea, Jennifer K. and Segall, Jordan E., *Samantar v. Yousef: The Foreign Sovereign Immunities Act and Foreign Officials*, Congressional Research Service Report for Congress, 2010, p. 1.

94. نظیر حق اختراع، طرح صنعتی، نام تجاری یا بازرگانی، علامت تجاری، کپی‌رایت یا دیگر اشکال اموال معنوی یا صنعتی. (بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها)

95. کشتی در زمان ایجاد سبب دعوا باید برای اهدافی غیر از اهداف غیرتجاری دولت استفاده شده باشد. همچنین، این استثنا، در خصوص کشتی‌ها و ناوهای جنگی و همچنین نسبت به کشتی‌های تحت مالکیت یا اداره دولت که منحصرأ به منظور خدمات غیرتجاری دولت استفاده می‌شود، اعمال نمی‌شود. ن.ک:

YILC, *op cit*, pp. 50-53, article 16 and Commentary to it.

۱۷ کنوانسیون^{۹۶}

باید توجه داشت که رضایت به توسل به داوری بدین طریق، انصراف از مصونیت در خصوص صلاحیت دادگاه برای اتخاذ تصمیم در ماهیت دعوا یا اختلاف نخواهد بود. با این حال، رضایت به داوری تجاری، لزوماً رضایتی ضمنی به همه نتایج طبیعی و منطقی داوری تجاری مورد نظر تلقی خواهد شد.^{۹۷}

به نظر می‌آید که دادگاه‌های ایالات متحده بر اساس قانون مصونیت دولت خارجی نیز به مانند کنوانسیون مصونیت در خصوص داوری، تنها تا حدود تصمیم‌گیری نسبت به رأی صادره داوری صالح باشند و نمی‌توانند وارد ماهیت دعوی اصلی و رسیدگی و صدور حکم خارج از حد تعیین شده در خصوص دولت خارجی شوند.^{۹۸} محاکم نیز هرچند به نظر می‌آید که در آرای خود که اکثراً بر کنوانسیون نیویورک مبتنی است به این محدودیت توجه داشته‌اند،^{۹۹} گاه تصور می‌شود که در برخی موارد، عملی خارج از حدود قرارداد داوری منتسب به دولت خارجی را نیز مورد حکم قرار داده‌اند یا اینکه قرارداد داوری را از انحاء انصراف ضمنی از مصونیت تلقی کرده و در نتیجه وارد رسیدگی به مسائل ماهوی دیگر شده‌اند. اگر این فرض درست باشد، که در پرونده‌ای علیه نیجریه چنین است، عمل دادگاه در تضاد با حقوق بین‌الملل است.^{۱۰۰}

۸-۲. دیگر ایرادهای اساسی بر قانون مصونیت دولت خارجی ایالات متحده

هرچند در موارد متعددی دولت‌های طرف دعوا بر اساس قانون مصونیت دولت خارجی نزد دادگاه‌های ایالات متحده با دفاعیات خود در صدد به‌چالش کشیدن این قانون بر آمده‌اند،

^{۹۶} در این خصوص، به دلایل متعددی دادگاه می‌تواند از مصونیت دولت خارجی روی بتابد؛ یا به این دلیل که مقرر داوری در سرزمین دولت متبوع دادگاه باشد یا طرف‌های قرارداد داوری، حقوق داخلی آن کشور را به‌عنوان قانون حاکم بر داوری انتخاب کرده‌اند یا بدان علت که مال تصرف شده یا حاصل شده در محدوده دولت متبوع دادگاه باشد. (YILC, *op cit*, p. 54, para. 3) باید توجه داشت که مواد مزبور به قراردادهای داوری منعقد شده میان دولت‌ها یا میان دولت‌ها با سازمان‌های بین‌المللی نپرداخته است. (Ibid, para. 7)

^{۹۷} YILC, *op cit*, p. 55, para. 6.

See: *Maritime International Nominees Establishment v. Republic of Guinea* (United States of America, intervenor) (1982) (The Federal Reporter, 2nd Series, vol. 693 (1983), p. 1094); and *Libyan American Oil Company v. Socialist People's Libyan Arab Jamahiriya*, formerly Libyan Arab Republic (United States District Court, District of Columbia, 18 January 1980, ILR (London), p. 220).

^{۹۸} 28 U.S.C. § 1605(a)(6)

^{۹۹} *G.E. Transport S.P.A. v. Republic of Albania*, 693 F. Supp. 2d 132, 136 (D.D.C. 2010). available at: https://casetext.com/case/ge-transp-spa-v-republic-of-albania#Uwcpb_mSxid

^{۱۰۰} *Cont'l Transfert Technique Ltd. v. Fed. Gov't of Nigeria*, 697 F. Supp.2d 46, 56 (D.D.C. 2010), p. 56. available at: <https://casetext.com/case/contl-transfert-technique-ltd-v-fed-govt-of-nigeria#UwcpRpmSxic>.

دادگاه‌های این کشور، همواره از اعتبار قانون مزبور حمایت کرده‌اند،^{۱۰۱} کما اینکه بسیاری از این ایرادها وارد و صحیح جلوه می‌کنند.

به‌عنوان مثال، سوریه در سال ۲۰۱۰ به‌طور خاص، چند ایراد اساسی را به قانون مصونیت دولت خارجی وارد ساخت: (۱) این قانون، ماده ۲ منشور ملل متحد را نقض می‌کند؛ (۲) حق دادرسی شایسته سوریه را نقض می‌کند؛ (۳) منجر به مسائل سیاسی غیرعادلانه می‌شود.^{۱۰۲} هرچند این ادعاها از سوی دادگاه رد شد،^{۱۰۳} با استناد دادگاه‌ها به فهرست دول حامی تروریسم، نقض ماده ۲ منشور (اصل تساوی حاکمیت‌ها) بی‌تردید می‌نماید.

همچنین، استدلالی دیگر نیز که سوریه مطرح کرد این بود که این قانون، مخالف با اصل تفکیک قوای مذکور در قانون اساسی ایالات متحده است، چرا که حکم نهایی صادره به‌موجب بخش 1605A می‌تواند از جانب کنگره یا رئیس‌جمهور ابطال شود.^{۱۰۴}

۳. تحلیل انطباق عملکرد آمریکا با رأی دیوان بین‌المللی دادگستری

در سال ۲۰۰۸، آلمان، دعوایی را علیه ایتالیا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت کرد. ادعای آلمان، این بود که دولت آلمان نزد محاکم داخلی ایتالیا از مصونیت برخوردار بوده و در نتیجه نمی‌تواند در این محاکم محکوم شود؛ لیکن ایتالیا با تجویز طرح دعوی مدنی علیه آلمان در دادگاه‌های خود^{۱۰۵} و نیز با اقدام به توقیف اموال علیه آن دولت (ویلائی به نام ویلا ویگونی)^{۱۰۶، ۱۰۷} و با اعلام قابل‌اجرا بودن احکام دادگاه‌های یونان علیه آلمان در مورد کشتار غیرنظامیان این کشور در طی اشغال یونان توسط آلمان به سال ۱۹۴۴ در نزد دادگاه‌های ایتالیا،^{۱۰۸} اصل مصونیت دولت آلمان را نقض کرده است. سرانجام، دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۱۲ رأی خود را به نفع آلمان صادر کرد^{۱۰۹} که در آن بر پایگاه مصونیت تأکید ورزیده و

101. Crowell & Moring, *op cit*, p. 28.

102. *Wyatt v. Syrian Arab Republic*, 736 F. Supp. 2d. 106, 113 & n.8 (D.D.C. 2010); *Wultz v. Islamic Republic of Iran*, No. 08-cv-1460 (RCL), 2010 WL 4190277, at: 1-3 (D.D.C. Oct. 20, 2010)

103. *Wultz*, 2010 WL 4190277, at: 1-3; *Wyatt*, 736 F. Supp. 2d at 113 & n.8.

104. *Wultz*, 2010 WL 4190277, at: 2; *Wyatt*, 736 F. Supp. 2d at 113 & n.10.

در پرونده گیتس، دادگاه بیان داشت که قانون مصونیت دولت خارجی، اصل تفکیک قوا را زیر پا نگذاشته است چرا که این تقویض اختیار، خلاف قانون اساسی نیست. (*Gates v. Syrian Arab Republic*, 646 F. Supp. 2d 79, 88 (D.D.C. 2009).)

105. *Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening)*, ICJ Judgment (Feb. 3, 2012), para. 52-108.

106. *Villa Vigoni*

107. *Ibid*, para. 109-120

108. *Ibid*, para. 121-133.

109. *Ibid*, para. 139.

درعین‌حال، بسیاری از جوانب تاریک آن در رویه را روشن ساخته است.^{۱۱۰} نوشتار حاضر، گنجایش پرداختن به تحلیل و نگاه دقیق به این رأی را ندارد و به‌ناچار، صرفاً به مسائل مرتبط مطرحه در آن رأی با این مقاله، نظری گذرا افکنده می‌شود.

حال، در چارچوب هنجارهای بین‌المللی بیان شده در این رأی، باید عملکرد آمریکا را محک زد. هرچند برخی از نویسندگان به‌صراحت ابراز داشته‌اند که مقررات مصونیت دولت خارجی ایالات متحده را به‌سختی می‌توان با شرایط موجود در حقوق بین‌الملل وفق داد،^{۱۱۱} اما در چارچوب رأی حاضر، چه؟

تردیدی نیست که همان‌طور که دیوان در این رأی، آرا و تصمیمات ضد اصل مصونیت ایتالیا را مخالف با حقوق بین‌الملل می‌داند، قوانین ایالات متحده را نیز می‌توان با وحدت ملاک، غیرقابل توجیه دانست.^{۱۱۲}

اولین موضوع، مسئله شبه‌جرم‌ها است. در برخورد با شبه‌جرم‌های ارتكابی دولت خارجی به‌عنوان استثنایی بر مصونیت، به‌رغم اهمیت زیاد لزوم ارتكاب این اعمال در سرزمین متبوع دادگاه و نیز وجود مرتکب در آنجا، ملاحظه شد که قوانین ایالات متحده، رابطه سرزمینی میان این عمل با کشور محل دادگاه را از میان برداشته است. این در حالی است که هم دولت ایتالیا در استدلال خود نزد دیوان^{۱۱۳} و هم خود دیوان بر وجود این رابطه تأکید ورزیده‌اند و وجود آن را از ضروریات دانسته‌اند.^{۱۱۴} همچنین به نظر می‌رسد که در رویکرد آمریکایی، استثنای شبه‌جرم، شامل اعمال حاکمیتی دولت خارجی نیز می‌شود؛ رویکردی که دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه در آن تردید کرده است.^{۱۱۵}

نکته دیگر این است که در خصوص این شبه‌جرم‌ها ایتالیا در تصدیق ادعای خود می‌گوید که ایالات متحده نیز از جمله کشورهایی است که در قانون خود، شبه‌جرم‌های ارتكابی نیروی نظامی دولت خارجی در زمان جنگ را استثنایی بر مصونیت قلمداد کرده است.^{۱۱۶} اما دیوان، این استدلال را نمی‌پذیرد و اعمال صلاحیت بر اعمال ارتكابی نیروهای نظامی دولت خارجی در زمان

۱۱۰. نواری؛ پیشین، ص ۶۷۳.

111. Bettauer, Ronald J., "Germany Sues Italy at the International Court of Justice on Foreign Sovereign Immunity – Legal Underpinnings and Implications for U.S. Law", *American Society of International Law*, vol. 13, issue. 22, 2009. available at: <http://www.asil.org/insights/volume/13/issue/22/germany-sues-italy-international-court-justice-foreign-sovereign>

112. *Ibid.*

113. ICJ Judgment, *op cit*, para. 62.

114. *Ibid.*, para. 64.

۱۱۵. عبداللهی، محسن؛ «پیامدهای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی دولت بر نقض مصونیت ایران در محاکم آمریکا»، *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱*، مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، چاپ دوم، شهر دانش، ۱۳۹۳، ص ۶۵۰.

116. *Ibid.*, para. 62.

جنگ را به‌طور کلی خلاف اصل عرفی مصونیت می‌داند،^{۱۱۷} هرچند در خصوص رویه ایالات متحده، اظهار بی‌اطلاعی می‌کند.^{۱۱۸}

دیوان، برخلاف آنچه مدت‌ها در محاکم ایالات متحده اجرا می‌شد، بیان داشت که نباید جرایم ارتكابی مقامات یک کشور در قالب جرایم جنگی یا جرایم علیه بشریت را موجبی برای نادیده‌گرفتن مصونیت دولت قلمداد کرد.^{۱۱۹} در واقع، دیوان با بیان این اصل، دو رویه جاری در محاکم ایالات متحده را که پیش‌تر ذکر شد به زیر سؤال می‌برد: اولاً اینکه، دیوان، عدم تسری میزان سنگینی عمل ارتكابی به اصل مصونیت دولت را اصلی عرفی دانسته و بیان می‌دارد که این ادعا همواره از سوی دادگاه‌های داخلی نیز رد شده است.^{۱۲۰} این امر در جهتی مخالف با اصلاحاتی است که ایالات متحده در سال ۱۹۹۶ به‌عمل آورد. ثانیاً، دیوان به‌طور کلی، ضرورت تفکیک بین مصونیت مقامات رسمی را از مصونیت دولت با ارجاع به برخی احکام داخلی یادآور می‌شود.^{۱۲۱}

در رابطه با چالش نخست، ایتالیا برای توجیه استدلال خود، اصلاحات قانون مصونیت دولت‌های خارجی ایالات متحده را مثال می‌زند که برای ارتكاب برخی اعمال ویژه چون «شکنجه و قتل فراقانونی» در صورتی که از جانب دول حامی تروریسم (طبق فهرست خود ایالات متحده) ارتكاب یافته باشد، مصونیت را نادیده می‌گیرد.^{۱۲۲} دیوان، ضمن بیان اینکه حقوق بین‌الملل عرفی، استحقاق دولت به مصونیت را منوط به شدت عمل انتسابی نمی‌کند،^{۱۲۳} در پاسخ متذکر می‌شود که این اصلاحات ۱۹۹۶ قانون مصونیت ایالات متحده، هیچ قرینه و نمونه مشابهی در قانونگذاری سایر کشورهای جهان ندارد.^{۱۲۴}

117. *Ibid.*, para. 68.

118. *Ibid.*, para. 71.

119. *Ibid.*, para. 84-85.

120. Courts in Canada (*Bouzari v. Islamic Republic of Iran*, Court of Appeal of Ontario, (2004) *Dominion Law Reports (DLR)* 4th Series, vol. 243, p. 406; *ILR*, vol. 128, p. 586; allegations of torture), France (Judgment of the Court of Appeal of Paris, 9 September 2002, and *Cour de cassation*, No. 02-45961, 16 December 2003, *Bull. civ.*, 2003, I, No. 258, p. 206 (the *Bucheron* case); *Cour de cassation*, No. 03-41851, 2 June 2004, *Bull. civ.*, 2004, I, No. 158, p. 132 (the *X* case) and *Cour de cassation*, No. 04-47504, 3 January 2006 (the *Grosz* case); allegations of crimes against humanity), Slovenia (*case No. Up-13/99*, Constitutional Court of Slovenia; allegations of war crimes and crimes against humanity), New Zealand (*Fang v. Jiang*, High Court, [2007] *New Zealand Administrative Reports (NZAR)*, p. 420; *ILR* Vol. 141, p. 702; allegations of torture), Poland (*Natoniewski*, Supreme Court, 2010, *Polish Yearbook of International Law*, vol. XXX, 2010, p. 299; allegations of war crimes and crimes against humanity) and the United Kingdom (*Jones v. Saudi Arabia*, House of Lords [2007] 1 *Appeal Cases (AC)* 270; *ILR*, vol. 129, p. 629; allegations of torture). (*Ibid.*, para. 85)

121. *Ibid.* para. 87.

See also: United Kingdom Judgment in *Pinochet (No. 3)* ([2000] 1 *AC* 147; *ILR*, vol. 119, p. 136).

122. 28 *USC* 1605A

۱۲۳. عبداللهی؛ پیشین، ص ۶۵۳.

124. ICJ judgment, *op cit*, para. 88.

به نظر می‌رسد دیوان با استثنا تلقی کردن رویکرد ایالات متحده و با اذعان تلویحی به تخلف این عملکرد از حقوق بین‌الملل عرفی، به قصد تمایل نداشته است وارد جزئیات ایرادات وارده بر قانونگذاری ایالات متحده شود. اما روشن است که وقتی موضوع را در قالب رویه قاطبه دیگر کشورها به سنجش وامی‌گذارد و از آن به‌عنوان یک تلقی بر وجود حقوق عرفی بهره می‌جوید، قطعاً صحت عملکرد خلاف اصل ایالات متحده را بر نمی‌تابد.

دیوان به‌منظور بیان ضمنی خلاف اصل بودن عملکرد ایالات متحده، با تأکید بیان می‌دارد که «هیچ‌کدام از دولت‌ها که قوانینی در موضوع مصونیت دولت وضع کرده‌اند، مقرراتی به‌منظور محدودیت مصونیت به دلیل سنگینی یا شدت اعمال ادعایی را در خود ندارند».^{۱۲۵} دیوان، علاوه بر رویه کشورها، به‌منظور اثبات این دیدگاه، در کنوانسیون اروپایی مصونیت و کنوانسیون ملل متحد برای مصونیت دولت‌ها و نیز در پیش‌نویس کنوانسیون آمریکایی نیز چنین تفکیکی را بر مبنای شدت جرم ارتكابی نمی‌یابد.^{۱۲۶}

درمورد چالش دوم نیز که در گفتار پیشین ملاحظه شد که در رویه محاکم ایالات متحده، اعمال ارتكابی به سران دولت‌ها را موجب لغو مصونیت دولت می‌دانستند، دیوان با تأکید بر لزوم تفکیک مصونیت دولت و مصونیت مقامات بیان می‌دارد که لازم می‌بیند تأکید ورزد که نتایج گرفته‌شده در خصوص عدم تسری سنگینی اعمال به ساحت مصونیت دولت، صرفاً به مصونیت خود دولت از محاکم خارجی اشاره دارد، وگرنه مصونیت کیفری مقامات مرتکب این اعمال، مقوله‌ای جداست که موضوع بررسی‌های دیوان در این رأی نیست.^{۱۲۷}

از بیان دیوان، این نکته به‌روشنی پیداست که مصونیت مقامات یا لغو و چگونگی و حدود لغو آن نباید به اصل مصونیت خود دولت خارجی خدشه‌ای وارد کند و لازم است این دو از هم تفکیک شوند.^{۱۲۸}

125. *Ibid.*, para. 88.

126. *Ibid.*, para. 89.

127. *Ibid.*, para. 91.

128. در ایالات متحده آمریکا نیز بخصوص پس از اصلاحات سال ۱۹۹۶ تحت نام *اصلاحات فلاتو* این بحث بالا گرفت و رویه دادگاه‌ها دو دسته شد. آرای اندکی، قانون جدید را صرفاً سببی برای اقامه دعوا علیه مقامات و کارکنان دولت می‌دانستند و نه خود دولت. به‌زعم اینان، اصلاحات به‌عمل آمده، نه ظرفیت آن را دارد و نه تمایل دارد که جهت اقامه دعوا علیه دولت خارجی مبنای قرار گیرد. (D.D.C.) *Roeder v. Islamic Republic of Iran*, 195 F. Supp. 2d 140, particular at 172. (2002). اما گاهی خود این دادگاه‌ها نیز در تفکیک عملی این دو مقوله، دچار ابهام و دوگانگی می‌شوند. به‌عنوان مثال، دادگاه Roeder جای بسی ابهام می‌آفریند، آن‌گاه که می‌گوید: «دادگاه موافق است که با قرائت این مقررات قانونی در بطن تاریخچه و نیت قانونگذاری، امکان تدارک موجبات اقامه دعوا علیه *ایران* وجود داشته باشد». (تأکید از نگارنده است) (*Ibid.*, p. 174.) اما گرایش اخیر محاکم بدین سمت است که این اصلاحات، موجباتی برای اقامه دعوا علیه خود دولت خارجی فراهم آورده است.

(Keller, Joseph, *op cit*, p. 1035) این رویکرد، دقیقاً مقابل خواست دیوان بین‌المللی دادگستری می‌ایستد. ن. ک: آرای زیر: *Acree v. Republic of Iraq*, 271 F. Supp. 2d 179, 215 (D.D.C. 2003); *Campuzano v. Islamic Republic of Iran*, 281 F. Supp. 2d 258, 270-71 (D.D.C. 2003); *Dammarell v. Islamic Republic of Iran*, 281 F. Supp.

در خصوص مصونیت دولت‌ها از اقدامات اجرایی نیز که در این رأی در قالب ضبط اموال و وضع مالیات بر اموال تجسم یافته است، دیوان مقرر می‌دارد که حتی در مواقعی که اصل مصونیت را به‌طور قانونی بتوان کنار نهاد و به‌درستی علیه دولت خارجی رأی صادر کرد، باز هم نمی‌توان اموال آن دولت را در سرزمین متبوع دادگاه توقیف کرد. حتی انصراف از مصونیت توسط دولت خارجی به‌خودی‌خود به معنی انصراف از مصونیت در مقابل اقدامات اجرایی علیه اموال او نیست.^{۱۳۹} همچنین، برای توجیه این عمل به‌موجب حقوق بین‌الملل، وجود یکی از شرایط زیر را لازم می‌داند تا توقیف و اعمال محدودیت بر اموال را توجیه کند: یا مال مزبور برای مقاصد دولتی تجاری استعمال شود، یا دولت به‌صراحت از مصونیت آن صرف‌نظر کند یا مال مزبور از جانب خود دولت برای ادای محکوم‌به، اختصاص داده شده باشد.^{۱۴۰}

رویه ایالات متحده در خصوص ضبط اموال به جهت اجرای حکم نیز با دیدگاه دیوان، چندان مطابقتی ندارد. اصلاحات به‌عمل‌آمده در سال ۲۰۰۸، «طیف وسیعی از اموال دولت‌های به‌اصطلاح حامی تروریسم را در معرض اجرای احکام قرار می‌دهد».^{۱۴۱} هرچند این قانون در توجه به ویژگی تجاری اموال، با رأی دیوان همداستان است، قدری افراط و تدروی در اقدامات اجرایی دیده می‌شود.

همان‌طور که در گفتار پیشین گفته شد، قانون مصونیت ایالات متحده با همراهی ظاهری با اصول حقوق بین‌الملل و تأکید بر لزوم تجاری‌بودن اموال، اقدام به سلب مالکیت^{۱۴۲} و ضبط اموال به‌عنوان اقدامات اجرایی^{۱۴۳} می‌کند. این مسئله هرچند از دامنه گسیختن مصونیت اموال حاکمه دولت - در هر دو مورد سلب مالکیت و ضبط به‌عنوان اقدام اجرایی - می‌کاهد، طبق این قانون در خصوص سلب مالکیت، به دو طریق می‌توان بر پیکره این فرض، ضربه زد: اولاً، مفهوم «اموال به‌دست‌آمده در عوض معامله اموال سلب‌شده»، استقرار مال اصلی سلب‌شده در خاک ایالات متحده را غیرضروری می‌سازد، چرا که وجود مال ثانوی در این خاک کفایت می‌کند. ثانیاً، در مواردی که مال به کارگزار یا عوامل دولت خارجی تعلق داشته یا توسط آن‌ها اداره می‌شود، دیگر مقصد حاکمه‌داشتن اموال، نامرتب می‌شود؛ با این توضیح که حتی اگر خود مال به‌منظور فعالیت‌های حاکمه استفاده شود، صرف این واقعیت که به نهاد یا کارگزار دولت و نه خود دولت

2d 105, 191-92 (D.D.C. 2003); *Kerr v. Islamic Republic of Iran*, 245 F. Supp. 2d 59, 62-63 (D.D.C. 2003); *Kilburn v. Iran*, 277 F. Supp. 2d 24, 36-37 (D.D.C. 2003).

129. ICJ judgment, *op cit*, para. 113.

130. *Ibid.* para. 119.

۱۳۱. کدخدایی و داعی؛ پیشین، ص ۲۰.

132. Taking or Expropriation or Nationalization (they have the same meaning in US practice)

133. Execution measures

تعلق دارد یا از جانب آن‌ها اداره می‌شود، حمایت از مصونیت را متزلزل می‌سازد. با این تلقی، دیگر نه لازم است مال مزبور به فعالیت‌های تجاری مرتبط باشد و نه به‌طور فیزیکی در خاک آمریکا مستقر باشد.^{۱۳۴} به‌هرحال، حقوق بین‌الملل و آموزه‌هایی که دیوان در رأی خود با پافشاری یادآور می‌شود بیانگر آن است که دولت خارجی به‌هیچ‌وجه، حق اعمال چنین صلاحیت گسترده‌ای را نسبت به اموال دولتی دیگر ندارد و جای قدری حزم بیشتر است.

نتیجه

با بررسی رویه ایالات متحده آمریکا در قالب قانون مصونیت دولت خارجی و انطباق مقررات آن با حقوق بین‌الملل و رأی اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری ملاحظه می‌شود که به‌رغم اینکه سعی بسیار شده است تا موازین داخلی ایالات متحده، همسو با الزامات بین‌المللی عرفی یا معاهده‌ای باشد یا جلوه کند، قانون مصونیت دولت خارجی این کشور، از این مقصد، بس بعید افتاده است.

بسیاری از اندیشمندان حقوق بین‌الملل در این عقیده با سطور این نوشتار هم‌داستانند و عملکرد ایالات متحده را چه در قالب حقوق بین‌الملل و چه در چارچوب رویه دیوان بین‌المللی دادگستری قابل توجیه ندانسته‌اند. فاکس بیان می‌دارد که «قانونگذاری ایالات متحده، شکل پارتیزانی دارد و نمونه‌ای رضایت‌بخش برای دیگر کشورها جهت پیروی نیست».^{۱۳۵} گاتینی رویکرد ایالات متحده را «مشکوک» می‌خواند چرا که به‌زعم او، این رویکرد دارای طبیعتی جانب‌دارانه و ماهیتی سیاسی است.^{۱۳۶} بنکاس می‌گوید: «اصلاحات FSIA یعنی USCIS 1610(a)(7),b(2) و به‌طور خاص، بخش USCIS 16 1 O(F)(4)(A) 28 این قانون در بسیاری از جوانب آن، اژدهاصفت^{۱۳۷} و بی‌رحمانه است».^{۱۳۸} و درنهایت، آلبیک به‌صراحت بیان می‌کند که «استثنای تروریسم قانون مصونیت دولت خارجی موجب شده است که ایالات متحده، تعهدات خود را به‌موجب حقوق بین‌الملل، زیر پا بگذارد».^{۱۳۹}

در پایان، در چارچوب بررسی‌های انجام‌شده در انطباق با رأی ۲۰۱۲ دیوان ملاحظه شد که در موارد متعددی، عملکرد آمریکا با آنچه تمایل دیوان است متعارض به نظر می‌رسد. قانونگذاری

134. Yang, Xiaodong, *op cit*, pp. 304-305.

135. Fox, Hazel, "State Immunity and the International Crime of Torture", 2 *EUR. HUM. RTS. L. REV.* 142, 156 (2006), p. 151.

136. Gattini, Andrea, "The Right of War Crime Victim to Compensation before National Court", 3 *J. INT'L CRIM. JUST.* 224, 230-31, 242 (2005), p. 230.

137. Draconian

138. Bankas, Ernest K., *op cit*, p. 294.

139. Alebeek, Rosanne van, "The Immunities of States and Their Officials in International Criminal Law and International Human Rights Law", *Oxford Monographs in International Law*, 2008, p. 355.

ایالات متحده به تصریح، مورد انتقاد حقوق‌دانان واقع شده و آن را در قالب نظرات دیوان بین‌المللی دادگستری، خلاف حقوق بین‌الملل دانسته‌اند.^{۱۴۰} می‌توان این عدم انطباق را در دیگر آرای دیوان نیز مشاهده کرد، هرچند این مقاله در صدد پرداختن به آن نبود.^{۱۴۱}

140. Bettauer, Ronald J., *op cit.*

141. See: *Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium)*, ICJ Reports 2002.

منابع:

- فارسی

- کتب

- عبداللهی، محسن و میرشهبیز شافع؛ *مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل*، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۸۲.

- مقالات

- سیفی، سیدجمال؛ «وحدت مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی بین‌المللی و آثار آن در حقوق معاهدات»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۱۴-۱۳، ۷۳-۱۳۷۲.
- عبداللهی، محسن؛ «خسارات تنبیهی در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی*، ش ۳۰، بهار ۱۳۸۳.
- عبداللهی، محسن و ژوبین نصیری محلاتی؛ «گزارشی از آخرین تحولات نقض مصونیت ایران در دادگاه‌های ایالات متحده»، *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی*، ش ۳، ۱۳۸۶.
- عبداللهی، محسن و حسین خلف‌رضایی؛ «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد آمره حقوق بشر»، *نامه مفید*، ش ۷۹، ۱۳۸۹.
- عبداللهی، محسن؛ «پیامدهای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی دولت بر نقض مصونیت ایران در محاکم آمریکا»، *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱*، مجموعه مقالات هدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، چاپ دوم، شهر دانش، ۱۳۹۳.
- کدخدایی، عباسعلی و علی داعی؛ «سلب مصونیت دولت ایران در محاکم آمریکا»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- نواری، علی؛ «رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اختلاف بین آلمان و ایتالیا: موازنه بین حقوق بین‌الملل کلاسیک و مدرن»، *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱*، مجموعه مقالات هدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، چاپ دوم، شهر دانش، ۱۳۹۳.

- انگلیسی

- Books

- Shaw, Malcolm N., *International Law*, 6th edition, Cambridge University Press, 2008.
- Malanczuk, Peter, *Akehurst's Modern Introduction to International Law*, 7th edition, Taylor & Francis e-Library, London and New York, 2002.

- Grant, John P. and Barker, J. Craig, *Parry & Grant Encyclopaedic Dictionary of International Law*, Oxford University Press, New York, 2009.
- Crowell & Moring, *The Foreign Sovereign Immunities Act; 2010 Year in Review*, Law and Business Review of the Americas Publication, 2011.
- Elsea, Jennifer K., *Suits against Terrorist States by Victims of Terrorism*, Congressional Research Service Report for Congress, 2008.
- Elsea, Jennifer K. and Segall, Jordan E., *Samantar v. Yousef: The Foreign Sovereign Immunities Act and Foreign Officials*, CRS Report for Congress, 2010.
- Yang, Xiaodong, *State Immunity in International Law*, Cambridge University Press, 2012.
- Bankas, Ernest K., *The State Immunity Controversy in International law*, Springer, Germany, 2005.
- Alebeek, Rosanne van, *The Immunities of States and Their Officials in International Criminal Law and International Human Rights Law*, Oxford Monographs in International Law, 2008.

- Articles

- Keller, Joseph, “The Flatow Amendment and State-Sponsored Terrorism”, *Seattle University Law Review*, vol. 28:955, 2005.
- Micco, Richard T., “Putting the Terrorist-Sponsoring State in the Dock: Recent Changes in the Foreign Sovereign Immunities Act and the Individual's Recourse against Foreign Powers”, 14 *TEMP. INT'L & COMP. L.J.*, No. 109-110 (2000)
- Fox, Hazel, “State Immunity and the International Crime of Torture”, 2 *EUR. HUM. RTS. L. REV.* 142, 156 (2006)
- Gattini, Andrea, “The Right of War Crime Victim to Compensation before National Court”, 3 *J. INT'L CRIM. JUST.* 224(2005)

- Online Articles

- Kreindler, James P. and Benett, Megan Wolfe, “Finding Justice for Victims of State-Sponsored Terrorism”, *Los Angeles Lawyer*, July/August 2010.
- Bettauer, Ronald J., “Germany Sues Italy at the International Court of Justice on Foreign Sovereign Immunity – Legal Underpinnings and Implications for U.S. Law”, *American Society of International Law*, vol. 13, issue. 22, 2009

- International Case Law

- Jurisdictional Immunities of the State (*Germany v. Italy: Greece intervening*), ICJ Judgment (Feb. 3, 2012)
- Arrest Warrant of 11 April 2000 (*Democratic Republic of the Congo v. Belgium*), ICJ Reports 2002.

- Municipal Case Law

- *Schooner Exchange v. McFaddon*, 11 U.S. (7 Cranch) 116 (1812)
- *Duke of Brunswick v. King of Hanover* (1848) 2 HLC 1.
- *De Haber v. Queen of Portugal* (1851) 17 QB 171.
- *Verlinden B.V. v. Central Bank of Nigeria*, 461 U.S. 480, 486 (1983)
- *Samantar v. Yousef*, U.S. Supreme Court, 130 S. Ct. 2278 (2010)
- *Flatow v. Islamic Republic of Iran*, 999 F. Supp. 1, 7 (D.D.C. 1998)
- *Farhang v. Indian Inst. of Tech.*, C-08-02658 RMW, 2010 WL 519815 (N.D. Cal. Jan. 26, 2010)
- *Lasheen v. The Loomis Co.*, CIV. S-01-227, 2010 WL 3448601 (E.D. Cal. Sept. 1, 2010)
- *State Farm Mut. Auto. Ins. Co. v. Ins. Corp. of British Columbia*, CV-09-762-ST, 2010 WL 331786 (D. Or. Jan. 25, 2010)
- *Citing Blaxland v. Commonwealth Dir. of Pub. Prosecutions*, 323 F.3d 1198, 1206 (9th Cir. 2003)
- *Siderman de Blake v. Republic of Argentina*, 965 F.2d 699 (9th Cir. 1992)
- *UNC Lear Services, Inc. v. Kingdom of Saudi Arabia*, 720 F. Supp. 2d 800, 803 (W.D. Tex. 2010)
- *Ford Motor Co. v. Russian Federation*, No. 09 Civ. 1646(JGK), 2010 WL 2010867 (S.D.N.Y. May 18, 2010)
- *Saudi Arabia v. Nelson*, 507 U.S. 349, 360 (1993)
- *Swarna v. Al-Awadi*, 622 F.3d 123, 147 (2d Cir. 2010)
- *Robinson v. Gov't of Malaysia*, 269 F.3d 133, 142 & n.11 (2d Cir. 2001)
- *USAA Cas. Ins. Co. v. Permanent Mission of the Republic of Namibia*, No. 10-cv-4262(LTS), 2010 WL 4739945 (S.D.N.Y. Nov. 17, 2010)
- *Argentine Republic v. Amerada Hess Shipping Corp.*, 488 U.S. 428, 439-40 (1989)
- *Kilburn v. Islamic Republic of Iran*, 699 F. Supp. 2d 136, 139 (D.D.C. 2010)
- *Anderson v. Islamic Republic of Iran*, No. 08-cv-535 (RCL), 2010 WL 4871189
- *Valore v. Islamic Republic of Iran*, 700 F. Supp. 2d 52, 69-70 (D.D.C. 2010)
- *Murphy v. Islamic Republic of Iran*, 740 F. Supp. 2d 51, 68 (D.D.C. 2010)
- *Phillip Morris USA v. Williams*, 549 U.S. 346 (2007)
- *Alcom v. Republic of Colombia* [1984] 2 All ER 6, 10; 74 ILR.
- *Farhang v. Indian Inst. of Tech.*, C-08-02658 RMW, 2010 WL 519815. (N.D. Cal. Jan. 26, 2010)
- *Cont'l Transfert Technique Ltd. v. Fed. Gov't of Nigeria*, 697 F. Supp.2d 46, 56 (D.D.C. 2010)
- *Hijazi v. Permanent Mission of Saudi Arabia to the United Nations*, No.10-0904-cv, 2010 WL 5174946 (2d Cir. Dec. 22, 2010)
- *Lian Ming Lee v. Taipei Economic & Cultural Representative Office*, No. 4:09-cv-0024, 2010 WL 786612 (S.D. Tex. Mar. 5, 2010).
- *El Hadad v. United Arab Emirates*, 469 F.3d 658 (D.C. Cir. 2007)

- *Shih v. Taipei Economic and Cultural Representative Office*, 693 F. Supp. 2d 805 (N.D. Ill. 2010)
- *Maritime International Nominees Establishment v. Republic of Guinea* (United States of America, intervenor) (1982) (The Federal Reporter, 2nd Series, vol. 693 (1983), p. 1094)
- *Libyan American Oil Company v. Socialist People's Libyan Arab Jamahiriya*, formerly Libyan Arab Republic (United States District Court, District of Columbia, 18 January 1980, ILR (London))
- *GE. Transport S.P.A. v. Republic of Albania*, 693 F. Supp. 2d 132, 136 (D.D.C. 2010)
- *Cont'l Transfert Technique Ltd. v. Fed. Gov't of Nigeria*, 697 F. Supp.2d 46, 56 (D.D.C. 2010)
- *Wyatt v. Syrian Arab Republic*, 736 F. Supp. 2d. 106, 113 & n.8 (D.D.C. 2010);
- *Wultz v. Islamic Republic of Iran*, No. 08-cv-1460 (RCL), 2010 WL 4190277, (D.D.C. Oct. 20, 2010).
- *Gates v. Syrian Arab Republic*, 646 F. Supp. 2d 79, 88 (D.D.C. 2009)
- *Bouzari v. Islamic Republic of Iran*, Court of Appeal of Ontario, (2004) Dominion Law Reports (DLR) 4th Series, vol. 243.
- Judgment of the Court of Appeal of Paris, 9 September 2002.
- Cour de cassation, No. 02-45961, 16 December 2003, Bull. civ., 2003, I, No. 258, p. 206 (the Bucheron case); Cour de cassation, No. 03-41851, 2 June 2004, Bull. civ., 2004, I, No. 158, p. 132 (the X case) and Cour de cassation, No. 04-47504, 3 January 2006 (the Grosz case);
- Slovenia (case No. Up-13/99, Constitutional Court of Slovenia; allegations of war crimes and crimes against humanity)
- New Zealand (*Fang v. Jiang*, High Court, [2007] New Zealand Administrative Reports (NZAR), p. 420; ILR vol. 141; allegations of torture)
- Poland (Natoniewski, Supreme Court, 2010, *Polish Yearbook of International Law*, vol. XXX, 2010; Allegations of war crimes and crimes against humanity)
- United Kingdom (*Jones v. Saudi Arabia*, House of Lords [2007] 1 Appeal Cases (AC) 270; ILR, vol. 129; allegations of torture).
- United Kingdom Judgment in Pinochet (No. 3) ([2000] 1 AC 147; ILR, vol. 119
- *Roeder v. Islamic Republic of Iran*, 195 F. Supp. 2d 140, particular at 172. (D.D.C. 2002).
- *Acree v. Republic of Iraq*, 271 F. Supp. 2d 179, 215 (D.D.C. 2003)
- *Campuzano v. Islamic Republic of Iran*, 281 F. Supp. 2d 258, 270-71 (D.D.C. 2003)
- *Dammarell v. Islamic Republic of Iran*, 281 F. Supp. 2d 105, 191-92 (D.D.C. 2003)
- *Kerr v. Islamic Republic of Iran*, 245 F. Supp. 2d 59, 62-63 (D.D.C. 2003)
- *Kilburn v. Iran*, 277 F. Supp. 2d 24, 36-37 (D.D.C. 2003)

- Legal Instruments

- National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2008
- The U.S. Foreign Sovereign Immunities Act of 1976 (FSIA) codified at Title 28, §§ 1330, 1332, 1391(f), 1441(d), and 1602-1611 of the United States Code, sec. 1603.
- Death Penalty Act of 1996. Pub. L. No. 104-132, §221(a)(1)(C), 110 Stat. 1214, 1241.
- Flatow Amendment, Pub. L. No. 104-208, § 589, 110 Stat. 3009-172 (1996) (codified at 28 U.S.C. § 1605 (Supp. 2002)
- U.K. State Immunity Act of 1978.
- Australia Foreign States Immunities Act of 1985, section 13.
- The New York Convention is codified domestically at 9 U.S.C. §§ 201 et seq.
- United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, Adopted by the General Assembly of the United Nations on 2 December 2004.
- European Convention on State Immunity of 16 May 1972
- Draft Articles on Jurisdictional Immunities of States and Their Property with Commentaries, *Yearbook of the International Law Commission*, 1991, vol. II, Part Two.

- Official Websites

- <http://www.gpo.gov/fdsys/pkg/CRPT-110hrpt477/pdf/CRPT-110hrpt477.pdf>
- <http://caselaw.lp.findlaw.com/scripts/getcase.pl?navby=case&court=us&vol=11&invol=116>
- <https://bulk.resource.org/courts.gov/c/US/461/461.US.480.81-920.html>
- <http://www.gibsondunn.com/publications/Pages/Amendment-ForeignSovereignImmunitiesAct.aspx>
- <http://www.lacba.org/Files/LAL/Vol33No5/2724.pdf>
- <https://casetext.com/case/contl-transfert-technique-ltd-v-fed-govt-of-nigeria#.UwcpRPmSxic>
- https://casetext.com/case/ge-transp-spa-v-republic-ofalbania#.Uwcpb_mSxid
- <https://casetext.com/case/contl-transfert-technique-ltd-v-fed-govt-of-nigeria#.UwcpRPmSxic>
- <http://www.asil.org/insights/volume/13/issue/22/germany-sues-italy-international-court-justice-foreign-sovereign>